فیلمنامه کوروساوا را چینی‌ها جلوی دوربین می‌برند

فیلمنامه‌ای ساخته نشده از آکی‌را کوروساوا، کارگردان شاخص سینمای ژاپن توسط کمپانی چینی «برادران هوآئی» ساخته می‌شود. کوروساوا، نگارش این فیلمنامه را در ۱۹۷۵ با اقتباس از داستان کوتاه «بالماسکه مرگ سرخ» نوشته ادگار آلن‌پو آغاز کرد و آن را پیش از مرگش در سال ۱۹۹۸ به پایان رساند.

درگذشت مهین کسمایی دوبلور پیشکسوت

مهین کسمایی پنجشنبه ۱۲ اسفند بعد از مدت‌ها مبارزه با بیماری سرطان در آمریکا از دنیا رفت. او ۷۸ ساله بود. کسمایی دوبلور بازیگرانی چون آدری هپبورن در فیلم‌هایی چون «بانوی زیبای من» و «صبحانه در تیفانی»، شرلی مک‌لین، الیزابت تیلور، سوفیا لورن، میا فارو و فریما فرجامی در فیلم «مادر» بود.

اسکورسیزی به سینمای آفریقا کمک می کند

بنیاد فیلم مارتین اسکورسیزی اعلام کرد پروژه‌ای با عنوان میراث فیلم آفریقا دارد که برای بازسازی و حفاظت از فیلم‌های آفریقایی و با همکاری بنیاد پن آفریکن و یونسکو در دست اجرا قرار گرفته است. قرار است جزئیات این همکاری در فستیوال فیلم پن افریکن ۲۰۱۷ که در بورکینا فاسو برگزار می‌شود، اعلام شود.

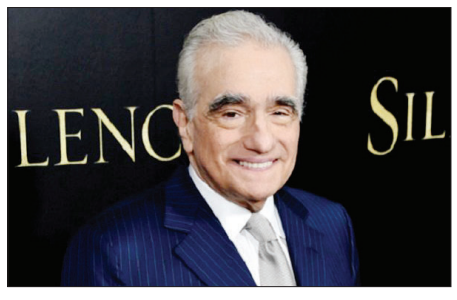

درگذشت سازنده دکور با سابقه سینمای ایران

کاظم فریبرزی طراح فنی و مجری دکور با سابقه سینمای ایران چشم از جهان فروبست. او در پروژه‌های بزرگی همچون سریال «هزاردستان» و فیلم‌های «دلشدگان»، «کانی مانگا»، «کفش‌های میرزا نوروز»، «جاده‌های سرد»، «تنوره دیو»، «ملک سلیمان» و «محمد رسول‌الله (ص)» حضور داشته است.

گفت وگو

سید حسین رسولی
خبرنگار گروه تماشا

عکس: معصیه باقرزاده | فرهیختگان

پای صحبت‌های حسین پاکدل نویسنده و کارگردان نمایش «کابوس حضرت اشرف»

چیزهایی که بلد نیستیم

حسین پاکدل

حسین پاکدل زمانی به عنوان یکی از مدیران تلویزیون و بعدتر و در دوران اصلاحات به عنوان مدیر مجموعه تئاتر شهر شناخته می‌شد؛ روزگاری که فضای تئاتر بعد از چند سال سکون دوباره با تحرک ویژه‌ای روبه‌رو شد و توانست نسل جدیدی از مخاطبان و هنرمندان را معرفی کند. از جایی پاکدل تصمیم گرفت خود از آن سوی میز به این سوی میز بیاید و در جایگاه هنرمند قرار بگیرد. او با کارگردانی نمایش «سمفونی درد» زندگی تئاتری خود را به عنوان نمایشنامه‌نویس و کارگردان آغاز کرد. در این سال‌ها تاریخ یکی از دغدغه‌های پاکدل در حوزه نمایشنامه‌نویسی بوده است. او این روزها نمایش «کابوس حضرت اشرف» را بر اساس شخصیت احمد قوام (قوام‌السلطنه) روی صحنه مجموعه ایرانشهر روی صحنه برده است. از همین‌رو پای حرف‌های او نشسته‌ایم.

***

نمایشنامه «کابوس حضرت اشرف» چگونه متولد شد و چه روندی را پیش گرفت تا روی صحنه جان بگیرد؟

طبیعتا یک نمایشنامه خلق‌الساعه متولد نمی‌شود؛ ایده در طول زمان با نویسنده زیست می کند. گاهی تبدیل به رویای آدم می‌شود. به قول ویلیام فاکنر «شروع به شکنجه آدم می کند»؛ چنان با نویسنده زد و خورد می کند که باید به دنیا بیاوریدش. متن ضرورت خودش را مانند یک کودک در بطن مادر تحمیل می کند. زمانی می‌رسد که دیگر متن باید مثل یک موجود زنده به دنیا بیاید؛ مهم نیست که ناقص است یا سالم. البته تصوری که از اثر هنری در ذهن آدم وجود دارد یک اثر کامل است. هیچ مادری خیال نمی کند بچه او مشکل دارد؛ حتی اگر مرضی از دوران جنینی گریبان نوزادش را بگیرد. طبیعتا در ابتدا سیاه‌مشق‌های متن شکل گرفته است؛ سپس سروشکل می گیرد، راه می‌رود، با شما حرف می‌زند، احساساتی می‌شود و هویت می‌یابد. در تئاتر متن در ابتدا خوانده می‌شود، سپس دیده می‌شود. نمایشنامه با حضور بازیگران روی صحنه جلوه می گیرد. آنها گفت‌وگو را شکل می‌دهند. برای تمام اینها یک فاصله ۶ تا ۷ ساله طی شد. یک گذشته طولانی مطالعه تاریخ و درام هم در بستر کار جریان داشته است.

در متن‌های شما با دو رویکرد متمایز و مهم روبه‌رو هستیم. در وهله اول به «زبان ایرانی» در بستر تاریخ صد ساله سیاسی- اجتماعی ایران توجه ویژه دارید؛ زبانی که در روایت غیرخطی جاری می‌شود. در وهله بعدی به «روایت‌های مدرنیستی» نگاه دارید. این امر در «پروانه‌های آسیایی» که اقتباس از داستان بهومیل هرابال است پررنگ می‌شود. در «کابوس حضرت اشرف» همین دو رویکرد را می توان لمس کرد. گویا دغدغه اصلی شما تاریخ است. آیا همین مسیر را پیش گرفته‌اید؟

نظر شما در خصوص «پروانه‌های آسیایی» و «سمفونی درد» نمی‌تواند عمومیت داشته باشد؛ این آثار اقتباسی هستند. در این متون مانند «پرواز ایکار» و «نوزاد یخبندان» به نویسنده اصلی وفادار مانده‌ام. طبیعتا تابع زبان رمان و قصه بوده‌ام. در حقیقت، آن را تبدیل به یک متن دراماتیک صحنه‌ای می کنم؛ اما وقتی وارد نمایش ایرانی می‌شوم شما درست می گویید؛ چون راه دیگری نداریم. اساسا نگاه رئالیستی به تاریخ جذاب نیست. در اصل نگاه رئالیستی را غیر از مواردی خاص، جذاب نمی‌بینم. منظورم روایت عین به عین تاریخ است. این کار یک دانشی می‌خواهد که حداقل من بلد نیستم. در آثاری مانند «حضرت والا»، «عشق و عالیجناب»، «امر ملوکانه»، «یک صبح ناگهان» و «کابوس حضرت‌اشرف» زمان و مکان را به هم می‌ریزیم و طی‌الارض می کنیم. نمایش‌های ایرانی مانند «تعزیه»، «روحوضی»، «پرده‌خوانی» و نقالی، همه اینها قواعد خاص خود را دارند. این اشکال اجرایی می‌توانند در نمایش‌های روی صحنه ما استفاده شوند. در نمایش «حضرت والا» از تمام این گونه‌ها بهره بردیم. استفاده مدرن از این ظرفیت‌ها فوق‌العاده جذاب است. آثار بزرگی مانند «کالیگولا» و «شاه لیر» را هم می‌توان بدین شکل اجرا کرد.

چرا احمد قوام یا به عبارتی قوام‌السلطنه که لقب حضرت اشرف را هم داشت برای شما تبدیل به یک دغدغه شد؟

وقتی می‌خواهید یک درام را شکل بدهید باید آن را بر یک پایه و ستون محکم استوار کنید. حالا یا یک شخصیت یا یک ماجرا را انتخاب می کنید. شاید یک جریان فکری را انتخاب کنید. برای یک ساختمان باید دنبال پی محکم باشید. طبیعتا باید اوج و فرودی در پیرنگ درام باشد؛ آن‌وقت است که می‌توانید با آن یک کُشتی دراماتیک بگیرید؛ حتی آن را فتح کنید. شخصیت‌های عادی یک‌خطی هستند. شما وقتی یک شخصیت محکم را پیدا می کنید با یک حجم عظیم از ظرفیت وجودی مواجه می‌شوید. چنین شخصیت‌هایی استثنایی هستند؛ اما حوادث و شخصیت‌های تخت بی‌خاصیت و گذرا هستند. مشروطه تنها یک بار رخ داد. تنها یک عارف قزوینی در تاریخ داریم. ممکن است شباهت‌هایی در تاریخ باشد. در سرزمین ما حوادث پس از مرگ ناصرالدین شاه به شدت شتاب گرفتند. از زمانی که میرزارضا کرمانی با تپانچه به او شلیک کرد تاریخ ما دوپاره شد. حجم حوادث و شتاب بعد از آن تا حدی قابل قیاس با کل تاریخ قبل از آن ماست. از آن لحظه زمان کیفیت دیگری پیدا کرد. انقلاب فرانسه هم چنین است؛ پس از آن انقلاب هم حجم حوادث چند برابر شد.

> ۱۱۰ سال گذشته و ما هنوز آداب رقابت را بلد نیستیم. هنوز آداب گفت‌وگو با موافق و مخالف را بلد نیستیم. اولویت‌بندی منافع را یاد نگرفته‌ایم. ما به قانون مشروطه پایبند نیستیم؛ فقط وانمود می کنیم

۱۱۰ سال از «فرمان مشروطیت» که توسط احمد قوام در سال ۱۲۸۵ نوشته شد، می گذرد. چرا چنین موضوعی برای نویسنده و کارگردانی مثل شما همچنان دغدغه چالش‌برانگیزی است؟

هنوز قانون مشروطه روی اوراق و در بطن کتاب‌هاست و شکل اجرایی کامل پیدا نکرده است. ما به فاصله کمی بعد از پیروزی جنبش مشروطه می‌بینیم جنگ و دعوا برای میراث‌خواری شروع شده است. کلی آدم کشته شده‌اند. اختلاف‌ها حل نمی‌شود؛ تازه شروع می‌شود. ۱۱۰ سال گذشته و ما هنوز آداب رقابت را بلد نیستیم. هنوز آداب گفت‌وگو با موافق و مخالف را بلد نیستیم. اولویت‌بندی منافع را یاد نگرفته‌ایم. ما به قانون مشروطه پایبند نیستیم؛ فقط وانمود می کنیم. چقدر در برابر اراده عمومی یا منافع ملی تمکین می کنیم؟ یک پزشک بر اساس معاینات بالینی برای هر شخصی یک نسخه مجزا می‌نویسد. جامعه هم زنده است. از طرف حکیمان حاکم احتیاج به نسخه‌های متفاوت در جغرافیا و زمان متفاوت دارد. در دل مشروطه فضای دخالت رعایا و شهروندان در امور شکل گرفت. از آحاد مردم کسانی در کرسی‌های مجلس و دولت رفتند؛ اما این قانون مشروطه برای ما بعد فرهنگی مناسبی به بار نیاورد؛ بیشتر سیاسی بود، توسعه‌یافتگی در جهت فرهنگی نداشتیم. در نمایش «حضرت والا» دیالوگی تقریبا بدین شکل نوشتم: «این ملت خواستش مبنایی نداره. بیشتر به فکر فتح و تخریب نظم جاریه‌اس. اندیشه‌ی جایگزین بی‌عیب نداره و نداشته هیچ‌وقت. تب تندش به احساس بهاری شبیهه. تا فرو نشست می‌نشینه به آه و ناله، همین فقره تو این ملک شده اسباب اغتشاش!» ما بزنگاه‌های درخشانی داشته‌ایم که هزینه سنگین هم بابت آن داده‌ایم اما از آن استفاده نکرده‌ایم، به خاطر اینکه با یکدیگر حرف نمی‌زنیم. فقط بلدیم مدام هم را نصیحت کنیم.

در «کابوس حضرت اشرف» چند شخصیت جالب وجود دارند؛ یکی رادیو و دیگری سید ضیاء است. هر دوی این شخصیت‌ها نماینده رسانه و سیاست هستند. در کل هم یک بازیگر، نقش تمام شاهان را ایفا می کند. کمی در این باره بگویید؟

رادیو در حقیقت شکل رسانه رسمی نیست. در حقیقت آن چیزی است که درشت‌نمایی شده و به جلد تاریخ به آینده منتقل می‌شود. در آن مقطع رادیو نبود. رادیو نماینده تمام آن چیزی است که ما امروز از گذشته می‌خوانیم و می‌شنویم. ذات تاریخ است.

رادیو خیلی شخصیت شادابی هم هست...

بله، علی‌رغم اینکه فکر می کنیم تاریخ اخمو است؛ اتفاقا موجود زنده، شوخ و شادابی است. با تاریخ می‌شود خیلی شوخی کرد. با زمان حال نمی‌شود شوخی کرد. از اول اصرار داشتم هر ۶ شاه را یک نفر بازی کند؛ به خاطر اینکه ذات قدرت همه را هم‌شکل می کند. محمدعلی شاه در ابتدا دیکتاتور نبود، به حسب ظاهر لااقل خیلی مشروطه‌خواه بود. بعد که قدرت می گیرد همه را از دم تیغ می گذراند. فاجعه شکل می گیرد. جان مردم به لب‌شان می‌رسد. شاه را از مملکت بیرون می کنند. احمدشاه هم فرقی با او ندارد. خدمات اندک‌شان هم بوده؛ اما یادمان نرود وظیفه آنها و اساسا هر حاکمی در هر لباسی خدمت به کشور است. اعمال و رفتار آنها در واقعیت خیلی مضحک بوده است.

سیدضیاء؟

او یک روزنامه‌نگار بود. مقالات خیلی تند و انقلابی می‌نوشت. قوام‌السلطنه بر سر کار بود. تا دل‌تان بخواهد به حاکمان، اشراف و از جمله قوام فحش داد. بعد او با کمک مستقیم انگلیس کودتا کرد. مصدق و قوام در زمان کودتا از دستور سیدضیاء تمکین نمی کنند. در واقع محکم در برابر سیدضیاء می‌ایستند. این ماجرای بگیر و ببند قوام و سیدضیاء تا آخرین روزهای این دو نفر ادامه داشت. این دو از هم بدشان می‌آمده است. قوام، سیدضیاء را یک عوام عجول می‌دانسته است. سیدضیاء هم قوام را یک اشرافی متفرعن می‌دانسته که کسی را داخل آدم حساب نمی کند.

روی صحنه تئاتر

خانه‌ای در انتهای خیابان بهار

- نویسنده: محمد چرمشیر
- کارگردان: نداهنگامی
- ۲۴ بهمن تا ۲۳ اسفند
- ایرانشهر - سمندریان
- ۷۵ دقیقه
- ساعت ۲۰
- ۳۵ هزار تومان

بازگشت به خانه

- نویسنده: هارولد پینتر
- کارگردان: معصومیان، قادر پناه
- ۱۵ بهمن تا ۲۷ اسفند
- ارغنون
- ۷۵ دقیقه
- ساعت ۲۱:۱۵
- ۲۵ هزار تومان

آخرین نامه

- نویسنده: مهرداد کوروش‌نیا
- کارگردان: مهرداد کوروش‌نیا
- ۲۷ بهمن تا ۲۷ اسفند
- تماشاخانه پالیز
- ۹۰ دقیقه
- ساعت ۱۸
- ۳۰ و ۴۰ هزار تومان

لیرشاه

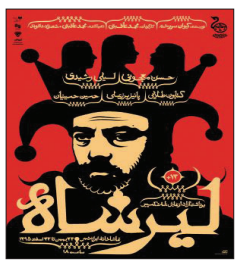

- نویسنده: کیوان سررشته
- کارگردان: محمد عاقبتی
- ۲۴ بهمن تا ۲۳ اسفند
- ایرانشهر - سمندریان
- ۷۰ دقیقه
- ساعت ۱۸
- ۳۵ هزار تومان

تاتر بد

- نویسنده: مهدی کوشکی
- کارگردان: صحرا فتحی
- ۱۵ تا ۲۰ اسفند
- خانه نمایش دا
- ۷۰ دقیقه
- ۱۸:۴۵
- ۲۵ هزار تومان

بزرگراه

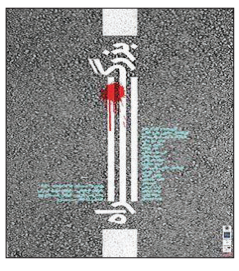

- نویسنده: ابوالفضل حاجی‌علی‌خانی
- کارگردان: ابوالفضل حاجی‌علی‌خانی
- یکم تا ۲۵ اسفند
- تماشاخانه سرو
- ۹۰ دقیقه
- ساعت ۱۸:۳۰
- ۲۰ هزار تومان

برای کلاه آهنی‌ها

- نویسنده: پژمان عبدی
- کارگردان: پژمان عبدی
- ۱۴ بهمن تا ۲۷ اسفند
- تئاتر باران
- ۸۰ دقیقه
- ساعت ۱۹
- ۲۰ هزار تومان

در شهر

آیا تئاتر شهر دربرابر آتش‌سوزی ایمن است

سیستم اعلام حریق مجموعه تئاتر به هیچ‌جا وصل نیست

حوالی ساعت ۲۲ چهارشنبه بخش‌هایی از زیرزمین مجموعه تئاتر شهر دچار حریق شد. بر اساس اعلام روابط عمومی این مجموعه در نتیجه کار ساخت دکور در محوطه کارگاه بیرون از سالن‌های مجموعه، هنگام جوشکاری شراره‌های آتش روی نخاله‌های بیرون کارگاه پریده و باعث گر گرفتن آنها شده است. البته آتش به سرعت با کپسول آتش‌نشانی خاموش شده اما برای اطمینان چندین ایستگاه آتش‌نشانی و عوامل اورژانس به محله حادثه اعزام شده‌اند. کارشناسان آتش‌نشانی اعلام کرده‌اند که حریق گسترده نبوده است. اما با توجه به حادثه‌های آتش‌سوزی اخیر در شهر تهران، این آتش‌سوزی کوچک باعث ایجاد نگرانی میان شهروندان و به‌خصوص اهالی تئاتر شده است. حالا مسعود معمار، سرپرست دفتر طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته است: «اقدامات لازم برای تکمیل و نصب کامل سیستم اطفای حریق و اعلام آن در تئاتر شهر به سرعت پیگیری می‌شود.» به گزارش «ایسنا» این مقام مسئول افزود: «نصب سیستم‌های اعلام و اطفای حریق در سالن‌های بازسازی شده تئاتر شهر پیگیری و انجام شده است اما با توجه به کمبود اعتبار و انجام نشدن بازسازی در بعضی دیگر از بخش‌های این مجموعه، هنوز چیزی به سیستم مرکزی وصل نیست و ما در برنامه خود داریم تا این مساله به فوریت در تئاتر شهر اجرا شود.» معمار با اشاره به اینکه برای انجام یک‌سری اقدامات در تئاتر شهر اخیرا بودجه‌ای فراهم شده است، افزود: «در حال حاضر حدود دو میلیارد تومان اعتبار با توجه به کمبودهایی که در این بخش داریم، تامین کرده‌ایم تا هم تکمیل این سیستم و هم بخشی از کارهای مربوط به بازسازی انجام شود.» سرپرست دفتر طرح‌های عمرانی وزارت ارشاد در پاسخ به اینکه با توجه به اتفاق اخیر در تئاتر شهر که با وجود مختصر بودن می‌توانست در تئاتر شهر به یک فاجعه تبدیل شود، چه زمانی برای نصب سیستم اطفای حریق پیش‌بینی شده است؟ گفت: «تا قبل از عید نوروز ممکن است این کار تکمیل نشود؛ اما با گروه‌های تاسیساتی مجرب صحبت کرده‌ایم و در برنامه‌های آتی خود به فوریت اقدام می کنیم.»

مجموعه تئاتر شهر